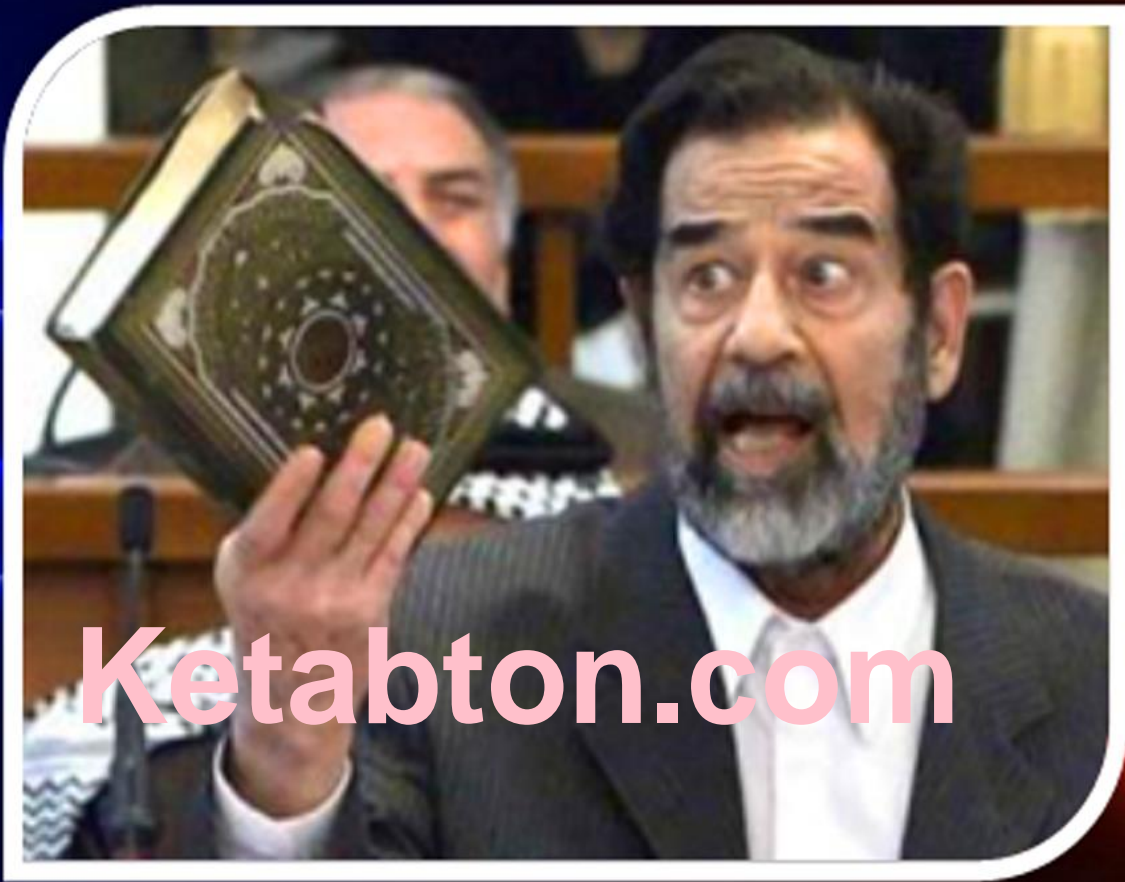


خطاطي قرآن به خون صدام حسين



Ketabton.com

دربارین: الحاح سیدہ عابد پیمان سویدن



www.masjed.se

۱۳۹۶

تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

خطاطی قرآن به خون صدام حسین

صدام حسین بعد از اینکه پسر بزرگ اش «عُدي»، از یک حادثهء ترور جان به سلامت برد، خطاط مشهور عرق را احضار کرد و برایش هدایت فرمود که يك جلد قرآن کریم را به عنوان نذر با استفاده از خون وي (صدام) خطاطی نماید.

(«عُدي»، از جمله پسران بزرگ صدام حسین بود، و در ضمن مسؤلیت امنیتی پدر خویش را نیز بدوش داشت، در سال 1996 میلادی مورد حمله مسلحانه مرگبار قرار گرفت، و میگویند 30 مرمی بر وجودش واز جمله یک مرمی بر کمرش اصابت نمود، اطباء مشهور عراقی و خارجی با مشکل توانستند بجز از مرمی اصابت شده در کمر، سایر مرمی را از وجودش خارج نمایند. وی بالاخره در سال که در سال 2003 توسط نیروهای امریکایی در شهر موصل کشته شد)

روزنامهء «الشرق الاوسط» - چاپ لندن در این مورد به نقل از خطاط عراقی بنام عباس شاکر جودی - که فعلاً در کشور پادشاهی اردن زندگی میکند مینویسد:

یکی از روزها صدام حسین مرا به شفاخانه بنام «سینا» (این شفاخانه مربوط فامیل صدام حسین بود) فراخواند و همانجا در حضور پسر خویش عُدي که در بستر مریضی خوابیده بود، از من خواست که تمام قرآن کریم را با خون او بنویسم.

شاکر خطاط ادامه میدهد که: «من بطوری متداوم مقداری خون از صدام حسین می گرفتم، تا به نوشتن قرآن ادامه دهم.»

این خطاط عراقی افزود: «نوشتن ۱۱۴ سوره قرآن، که ۶۰۵ صفحه میباشد تقریباً دو سال طول کشید. با اهداء بیش از ۲۷ لیتر خون صدام حسین خطاطی شده است. گفته میشود خطاطی مذکور این قرآن کریم نوشته شده به خون صدام حسین را در سال 2000 م به اتمام رسید و در یک مسجدی در غرب بغداد قرار گرفت.

بعد از حمله ایالات متحدهء آمریکا بر عراق در سال 2003 مسئولان مسجد این قرآن را از ترس تلف شدن، پنهان کردند. هرچند در سال های 2000 تا 2003 م دو یا سه بار این قرآن کریم نوشته شده به خون صدام حسین، برای عموم مسلمانان به نمایش گذاشته شده بود، ولی بعد ها این قرآن از انظار پنهان شد.

قرآن کریم خطاطی شده به خون صدام حسین، هم اکنون در موزیم «ام المعمارک» بغداد نگهداری می شود.

شاکر افزود: «اولین صفحه ای را که نوشتم، آنرا برای بررسی و تأیید به کمیته مخصوصی تسلیم نمودم، این کمیته علاوه بر ظرافت متن، مقاومت آن برای مدت طولانی نیز مورد بررسی قرار داد.»

وی می افزاید: «هرگاه مخزن خون خالی می شد، از محافظان صدام می خواستم که باز هم به من خون بدهند.» خطاطی مذکور میگوید که: «گاهی اوقات نیز به خاطر مصروفیت های صدام و تهدیدات جدی آمریکا علیه عراق، چند روز و حتی چند هفته منتظر می ماندم.»

خانم «نجاح»، همسر این خطاط عراقی می گوید: «هرگاه دروازه یخچال را باز می کردم و بوتل خون صدام حسین را میدیدم، به خود می لرزیدم.»

شیخ احمد السامرایي رئیس اداره اوقاف یکی از علمای مشهور اهل تسنن کشور عراق، درباره خطاطی قرآن کریم به خون صدام حسین میگوید: این نسخه از قرآن میلیون ها دلار ارزش دارد و من مدت سه سال آنرا از دستبرد و تلف شدن محافظت نموده ام. من بدین امر معتقدم که استفاده از خون برای کتابت و خطاطی قرآن در اسلام سابقه ندارد، ولی من از این قرآن طی حمله امریکایی ها به عراق محافظت کردم.

خواننده محترم !

حالاکه این قرآن کریم به خون صدام حسین خطاطی شده است، بسیاری از خواهران و برادران می پرسند و پرسیده اند که آیا نوشتن قرآن عظیم الشان به خون و آنهم به خون انسان (صدام حسین) در شرع اسلام جواز دارد و یا خیر؟
و اصلاً استفاده از خون در شرع اسلام حلال است یا حرام؟
و حالاً که این قرآن به خون صدام حسین « یعنی دَمٌ مَسْفُوحٌ » خطاطی شده است، آیا تلاوت آن از نگاه شرع اسلامی جواز دارد و یا خیر؟

خون چیست؟

علماء در تعریف خون مینویسند: خون عبارت از یک مایع سرخ رنگی است که در تمام رگهای بدن انسان جریان دارد، و توسط همین خون است که جسم تغذیه میگردد. طعم خون متمایل به شوری است، و دارای بوی مخصوص میباشد. خون از کرویات سفید و سرخ و پلاسما ترکیب یافته است.
خون نقش حیاتی را در جسم انسان دارا میباشد. طب امروزی برای تشخیص درد و پیدا کردن عامل اصلی امراض (دیاگنوز)، اکثراً به معاینات و یا هم معاینات لابراتواری خون مراجعه مینمایند.

حکم خون در اسلام :

کلمه « خون » که در عربی آنرا « دم » گویند در قرآن عظیم الشان (۱۰) بار ذکر شده است.

پروردگار با عظمت ما در چهار سوره ی قرآن عظیم الشان با الفاظ مختلف به خون و پرهیز از خوردن آن اشاره کرده است. در سه آیه با الفاظ شبیه به هم آمده « **إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ** » ولی در سوره ی انعام آیه ی ۱۴۵ این گونه آمده است: « بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده، من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه مردار حیوان باشد. یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که آن پلید است. »

موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه ای طولانی داشته و در دوران جاهلیت یعنی قبل از اسلام نیز مردم خون را می خوردند آنها گوسفند را سر نمی بریدند که مبادا خونسش بریزد و از بین برود. بلکه با گرفتن خون از طریق رگ زدن، از خون حیوانات استفاده می نمودند.

بعد از ظهور اسلام و نزول آیات الهی از قرآن عظیم الشان درین مورد، مبارزه شدیدی با خوردن خون آغاز گردید و خوردن خون در قرآن عظیم الشان بصورت مطلق ممنوع شد.

قرآن کریم میفرماید: « بگو ای پیامبر! در احکامی که به من وحی شده چیزی که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه مردار باشد یا خون ریخته »

خداوند متعال در سوره‌ی مائده آیه 3 تأکید میکند که حیوانات حلال گوشت را ذبح نمایید. ذبح شرعی با بریده شدن و قطع رگ‌ها و شریان‌های بزرگ (چهار رگ اصلی) باعث خروج تمام خون بدن حیوان می‌شود و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک میکند.

بسیاری از مفسرین و فقها، خرید و فروش و هر نوع استفاده‌ای از خون را حرام اعلام داشتند. علت اساسی این امر در این نهفته بود که: اعراب بجز از خوردن خون در فکر استفاده دیگری از خون نبودند، بناً دین مقدس در نص صریحی قرآنی آنرا حرام اعلام داشت، و خون را در ردیف سایر محرّمات و نجاسات قرار دادند. ولی در باره خون انسان، نه از حلیت سخنی گفتند و نه از حرمت آن زیرا، فایده و منفعت عقلانی و مفید و کارساز، برای خون انسان متصور نبوده است که فقها آن را به بحث بگذارند که آیا چنان استفاده‌ای از خون رواست، یا ناروا. از آن جا که امروز، منافع کثیری برای خون و بخصوص برای خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می‌شود که مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟ آیا مطلق بهره برداری و خرید و فروش حرام آن است، یا فقط خوردن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ آیا دلایل را که فقها در مورد حرمت خون ارائه داشته‌اند، خون انسان را که در طب امروزی مقام مهمی را دارا می‌باشد، و در بخش معاینات مریضان در شفاخانه و مراکز صیجی از آن استفاده وسیع می‌برند، در برمی‌گیرد؟ یا خیر منظور آنان فقط خون حیوان بوده و آن هم (اکل) و یا خرید و فروش آن. طوریکه ملاحظه می‌گردد، حرمت خون درنصوص شرعی که در فوق تذکر یافت با توجه به قرائن موجود، به اعتبار (خوردن) است، نه هر نوع استفاده و بهره برداری دیگر از خون.

هر حرام نجس نیست ولی هر نجس حرام است!

نجاست و طهارت اشیاء احکام وضعی و تکلیفی اند که در دین اسلام و سایر شرایع، چنین احکامی وجود دارند. در دین مقدس اسلام اصل بر طاهر و پاک بودن اشیاء است مگر آنکه دلیلی صریح بر نجاست آن در شریعت وارد شده باشد. نجاست اشیاء به دلایل متعدد است، یا به جهت خبیث و بد بودن ظاهر آن‌ها و تنفر طبیعت انسانی از آن‌ها نجس شده‌اند، مانند بول (شاشه) و غایط، یا به جهت خبیث و بد باطنی آن‌ها مانند کافر و یا به جهت ضرر و زیانی که می‌تواند داشته باشد مانند سگ، یا به دلایل دیگر که برخی از آن‌ها در شریعت اسلام بیان شده و برخی بیان نشده‌اند. در مورد علت نجاست خون، که به کدام علت و فلسفه خون مورد نجاست قرار گرفته دلایل زیادی در دین وجود ندارد.

برخی از علماء بدین عقیده اند که: شاید علت نجاست خون به سبب بعضی از امراض و انتقال برخی از مریضی به واسطه خون است و یا هم این نجاست به علتی باشد که طبع انسان اینست که از خون خوشش نیامده و از آن دوری می‌کند، البته نه در زمانی که خون در بدن باشد، حتی در بعضی از موارد، برخی از خون‌ها حکم نجس را ندارند، بطور مثال خون حیوانات که خوردن گوشت شان حلال است، که بعد از ذبح شرعی، اگر مقداری از خون که در گوشت باقی بماند، در حکم خون طهار بشمار می‌رود، و فقها بر پاکی آن حکم صادر نموده است.

نکته آخر این که علت اصلی و واقعی و به تعبیر دیگر « علت تامه » احکام و از جمله نجاست و طهارت اشیا برای ما مشخص نیست و آنچه در روایات آمده و علت بعضی از احکام را بیان کرده است، تنها حکمت‌ها و علت ناقصه را بیان کرده‌اند. علت واقعی و حقیقی این احکام و مصلحت و مفسده‌های واقعی که در آن‌ها وجود دارند، برای ما کاملاً مشخص نشده‌اند.

طوری‌که قبلاً اشاره شد، حکمت و فلسفه حلال و حرام برای ما انسانها دقیقاً معلوم نیست، اگرچه حکمت و فلسفه آن نزد پروردگار مصلحت واقعی و حقیقی دارد که ما از آن‌ها خبر نداریم و به همین خاطر باید تعبداً آن‌ها را قبول کرد.

این را باید قبول نمایم که، نجاست و حرمت خون از این امر مستثنا نبوده و نجاست و حرمت مبتنی بر مفسد و پیامدهای منفی است که در خوردن خون وجود دارد. به نظر میرسد بین نجاست خون و حرمت خوردن آن رابطه وجود دارد، یعنی به دلیل زیان‌هایی که در خوردن وجود داشته، اسلام اول به نجاست آن حکم صادر کرده است. وبعد از آن به خوردن آن تا مسلمانان از آن پرهیز نمایند.

برخی از مفسرین در تفسیر آیه 173 سوره بقره میفرماید: دومین چیزی که در آیه تحریم شده « خون » است. خونخواری هم زیان جسمی دارد و هم اثر سوء اخلاقی، چرا که خون از یک سو ماده کاملاً آماده‌ای است برای پرورش انواع میکروب‌ها.

تمام میکروب‌هایی که وارد بدن انسان میشوند، به خون حمله میکنند. و آن را مرکز فعالیت خویش قرار میدهند، به همین دلیل گرویات سفید که وظیفه محافظین و سربازان جسم را ایفاء میکنند، همواره در منطقه خون پیرادری میکنند تا میکروب‌ها به این سنگر حساس که به تمام مناطق بدن ارتباط نزدیک دارد، راه پیدا نکنند. مخصوصاً هنگامی که خون از جریان میافتد و به اصطلاح میمیرد، و گرویات سفید از بین میرود، زمانیکه گرویات سفید از بین روند و یا در وجود تقلیل یابند، امکان نفوذ میکروب‌ها در بدن گسترش می‌یابد. اگر توجه به فرماید زمانیکه خون در وجود انسان لخته و یا بمیرد از جمله، آلوده‌ترین اجزای بدن انسان و حیوان مبدل میگردد.

در روایت اسلامی آمده است که: « آنها که خون میخورند، آن چنان سنگدل میشوند که حتی ممکن است دست به قتل پدر و مادر و فرزند خود هم بزنند. »

گروه‌های شیطان پرست، بخاطر تربیت افراد خویش محافلی عبادی رابرای افراد داوطلب خویش در شب‌های بارانی و تاریک در قبرستان هاتدویر نموده، و با نمایش خون، اعضای خویش را خونخوار و سنگدل تربیه مینمایند.

به خاطر همین زیان‌های اخلاقی، روانی و جسمی خون بوده است که دین مقدس اسلام نه

تنها به نجاست خون حکم صادر نموده بلکه آن را بصورت مطلق حرام ساخته است

« حُرِّمَتْ عَلَيْكَ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنَقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَّةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيتُمْ وَ مَا ذَبَحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقُ الْيَوْمِ الْبَئِيسِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (سوره: مائدة) (بر شما حرام شد (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه (در وقت کشتن) نام غیر خدا بر آن برده شده و حیوان خفه شده و به وسیله زدن مرده، و از بلندی پرت شده و مرده و به شاخ حیوان دیگری

مرده و آنچه درنده آن را کشته و از آن خورده ، مگر آنچه را (از موارد فوق که قابل تذکیه بوده) تذکیه کرده اید و همچنین آنچه بر روی سنگ مقدّس (یا برای بت ها) سر بریده شده ، و (نیز حرام شد) قسمت کردن (گوشت حیوانی) با تیرهای قمار ، که همه این اعمال فسق است ، - امروز کسانی که کفر ورزیده اند از (ابطال و ازاله) دین شما مأیوس گشته اند ، پس از آنها مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل ، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما به عنوان دین (استوار و پایدار) پذیرفتم ، - پس اگر کسی در حال قحطی و گرسنگی شدید بدون تمایل به گناه (به خوردن بعضی از آن حرام ها) ناچار شود ، خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

بنابراین دیده میشود که دین مقدس اسلام از خوردن خون نهی و به نجاست آن حکم صادر شد ، اما استفاده‌های معقول مانند تزریق خون برای نجات جان مجروحان و مریضان و مانند آن، در شرع اسلام کدام مشکلی ندارد، حتی دلیلی بر تحریم خرید و فروش خون برای این موارد در دست نیست، چرا که استفاده‌های عقلایی و مشروع مورد ضرورت عمومی است و این بدان جهت است که آثار منفی خون در نجاست و حرمت خوردن نقش دارند.

آیا خون شکننده وضو است؟

همه علماء و فقها بدین باور اند که ،خروج خون از بدن (به جز از سیلین) (طریق مقعد و آلت) کم یا زیاد، از طریق زخم یا حجامت باشد، موجب باطل شدن وضو نمی گردد. و این مذهب امام مالک و شافعی است، ولی امام ابوحنیفه می گوید که وضو باطل می شود و در مذهب حنابله هرگاه خون خارج شده زیاد باشد، وضو باطل می گردد.

ولی قول امام شافعی و امام مالک ارجح و صحیح تر است زیرا:

۱- تمامی احادیثی که در مورد واجب شدن وضو بر اثر خروج خون آمده اند، هیچ کدام صحیح نیستند.

۲- اصل بقای وضو است مگر آنکه نص یا اجماع بر نقض آن دلالت داشته باشد.

۳- حسن بصری رحمه الله گفته است: «ما زال المسلمون یصلون فی جراحاتهم» (مسلمانان همواره با جراحاتی که برمی داشتند، نماز می گزاردند). بخاری آنرا روایت کرده است، و گفته است:

«ابن عمر رضی الله عنهما، (دانه بخار) روی خویش را فشار داد و از آن خون برون پرید و بعد از آن وضو نگرفت و نماز خواند. و در روایت دیگری آمده است که: ابن ابی اوفی همراه با آب دهان، خون از دهنش بیرون آمد، ولی وضو نگرفت و به نماز خویش ادامه داد.

همچنان امیر المومنین عمر بن خطاب در حالی که مشغول نماز خواندن بود ، توسط ابو لولو زخمی گردید در حالیکه خون از وجودش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد ، اگر جاری شدن خون موجب شکننده وضو میبود ، امیر المومنین از ادامه نماز و بخصوص امامت قوم صرف نظر میکرد .

همچنان عباد بن بشر در حالیکه مصروف نماز بود ، چند تیر از جانب دشمن بر بدنش اصابت کرد ، و خون از بدنش جاری بود، ولی این صحابی جلیل القدر ، نماز خویش را قطع نکرد ، بلکه به نماز خویش ادامه داد . (حدیث را ، ابوداود و ابن خزیمه و بخاری بصورت تعلیق، آنرا روایت کرده اند.)

۴- همچنان در روایت اسلامی آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم حجامت کرد و نمازش را خواند و وضو نگرفت، و تنها جای حجامت و خون گرفتگی را شست. و روایت شده است که: چون دو مرد از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوه «ذات الرقاع» از مسلمانان حراست و پاسداری می کردند یکی از آنان به نماز ایستاد و مردی از کافران به سوی وی تیری انداخت ، در حالیکه مصروف نماز خواندن بود ، تیر اصابت شده بدن خویش در حالیکه با شدت زخمی شده بود و خون از بدنش جریان داشت به نماز خویش ادامه داد ، و سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن اطلاع پیدا کرد و آن را انکار ننمود. و چون چیزی که از دو مجرای پیش و پس بیرون می آید خصوصیتی دارد که در غیر آنها یافت نمی شود.

خروج خون از بینی هنگام نماز، نماز را باطل نمیکند زیرا اولاً قول راجح اینست که خون بنی آدم نجس نیست، زیرا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ زخمی بوده اند ولی در همان حالت خون آلود نماز را میخواندند، ولی خون حیض و یا خونی که که از سبیلین (شرمگاه و مقعد) خارج شود نجس هستند. و ثانیاً خروج خون از بدن وضوء و نماز را باطل نمیکند، زیرا دلیلی برای بطلان وضوء و نماز هنگام خروج خون از بدن وارد نشده است.

خون نجس در اسلام:

۱- خون در حال حیات از حیوان جاری گردد بحیث خون نجس بوده و در قرآن عظیم الشان بحیث نجس اعلام گردیده است و آیه ۱۴۵ سوره انعام به این صراحت میفرماید: « قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا » (بگو: در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته باشد.) اما در مورد خون باقی مانده در گوشت حیوان ذبح شده، طوریکه قبلاً هم بدان اشاره شد ، دین مقدس اسلام این خون را نجس ندانسته و آنرا مانند خونی که بعد از ذبح در بدن حیوان باقی می ماند مانند بقیه‌ی اعضای حیوان است ، خوردن آن حلال میباشد .

از ابومجلز درباره‌ی

خونی که در محل ذبح حیوان باقی می ماند و خونی که روی دیگ می ماند، سوال کردند؟

گفت: اشکال ندارد، فقط از خون جهنده و جاری نهی شده

است. عبد بن حمید و ابوالشیخ این مطلب را از او نقل کرده اند. از عایشه -رضی الله عنها- روایت شده

که: « كُنَّا نَأْكُلُ اللَّحْمَ وَالِدَّمَ خَطُوطَ عَلِيٍّ الْقَدْرِ » (ما

گوشت می خوردیم در حالیکه خطوط خون، بر روی دیگ نمایان بود). (فقه السنه)

۲- خون حیض :

خون حیض به دلیل حدیث حضرت عایشه و اسماء ، نجس است :

از اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنه روایت است : « **جاءت امرأة إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقالت : إحدنا يصيب ثوبها من دم الحيض كيف تصنع؟ فقال : تحته ثم تقرصه بالماء ثم تتوضه، ثم تصلي فيه** » (زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : اگر لباس یکی از ما به خون حیض آلوده شد، چکار بایدبکند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : آن را از لباسش بزداید و سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند) (منفق علیه)

۳- **اما خروج خون از بدن** (بجز از دو سبیل پشت و جلو) موجب باطل شدن وضو

نمی شود.

هیئت دائمی افتا در این باره می گویند: « دلیل شرعی در دست نداریم که خروج خون از بدن (غیر از راه‌های عقب و جلو) ناقض وضو باشد. اصل این است که خون ناقض وضو نیست و مبنای عبادات توقیفی است. بنابراین هیچ کس اجازه ندارد که بگوید این عبادات مشروع است؛ مگر آن‌که دلایلش را ارائه بدهد. یادداشت ضروری :

طوری‌که قبلاً یاد آور شدیم ، برخی از علما خروج خون را از نواقض وضو دانسته‌اند. بنابراین اگر کسی در اثر خروج خون (ولو این‌که از غیر شرمگاه خارج شود) وضو بگیرد کارش خوب و پسندیده است و راه احتیاط را در پیش گرفته و خودش را از اختلاف فقها خلاص نموده است. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: « **دَعَّ مَا يَرِيْبِكْ اِلَى مَا لَا يَرِيْبِكْ** » نسائی، ترمذی، حاکم... (آنچه که تو را به شک می‌اندازد آنرا ترک کن و به سوی چیزی برو که تو را به شک نمی‌اندازد). (فتاوی انجمن دایمی مباحث علمی و افتا (۲۶۱/۵)).

۴- خون ماهی:

در مورد خون ماهی همه علماء متفق القول اندکه : خون ماهی پاک است. زیرا ماهی مرده پاک است و این دلیلی است بر این‌که خون آن نیز پاک میباشد ؛ زیرا فلسفه‌ی تحریم مردار، بقای خون در وجود آن است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: « **مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذَكَرَ اسْمَ اللهِ عَلَيْهِ فَكُلْ** » بخاری (۲۴۸۸) و مسلم (۱۹۶۸). «هر وسیله‌ای که موجب جاری شدن خون از حیوان است و (به هنگام ذبح) نام الله بر آن ذکر شده باشد از گوشت آن بخورید».

۵- خون مگس، پشه :

خون مگس، پشه و امثال اینها در شرع اسلامی پاک است، زیرا این حشرات اگر بمیرند باز هم پاک‌اند، کما این‌که حدیث «امر به فرو بردن مگس در نوشیدنی‌ها» دلالت بر همین مطلب دارد. بخاری (۳۳۲۰-۵۷۸۲)

الوده شدن لباس باخون انسان وخون حیوانات حلال :

در مورد اینکه اگر لباس انسان با خون انسان و یا خون حیوان حلال الوده شود ، لباس نجس میگردد یا خیر ؟ فقهای اسلام بدو دسته تقسیم گردیده اند :

دسته اول :

خون انسان وخون حیوانات حلال نجس است :

تعداد از علماء از جمله امامان اربعه (امام ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد) همگی در این امر متفق اند که : خون انسان (وخون حیوان حلال گوشت) در صورتیکه این خون بر لباس و یا بدن ریخته شود نجس است، و نباید نماز با لباس خون الود و یا بدن خون الود و یا آلوده به (خون انسان وحیوان حلال گوشت) خوانده شود ، زیرا شرط صحت نماز پاکی بدن از نجاسات است و خون انسان نجس است.

اگر ثابت شود که بر نجاست خون انسان اجماع وجود دارد، در آنصورت به دلایل موافقین بر طاهر بودن خون التفات نمی شود، زیرا اجماع حجت قاطعی است که عدول از آن جایز نیست.

امام ابن قیم رحمه الله در (إغاثة اللهفان ۱/۲۴۰) چنین مینویسد :

« از امام احمد سوال شد: آیا خون و چرک زرد (زخم بدون خون) نزد شما یکی است؟ فرمود: خیر، خون انسان مردم در (نجاست آن) اختلاف ندارند.»

علما این قول امام احمد را دلیل بر اجماع امت بر نجس بودن خون دانسته اند و لذا اکثر قریب به اتفاق علما حکم به نجاست خون داده اند و بر اساس این حکم نمازی که با لباس خونی انسان آغشته شده باشد، صحیح نیست.

امام ابن حزم رحمه الله در «مراتب الاجماع» گفته: علما بر نجاست خون اتفاق دارند. همچنین حافظ ابن حجر در فتح الباری (۱/۴۲۰) این اتفاق علما را نقل کرده است.

و امام ابن عبدالبر در «التمهید» (۲۲/۲۳۰) می گوید: «حکم تمامی (انواع) خون بمانند خون حیض است مگر آنکه قلیل و اندک باشد که از آن گذشت شده است. و این اجماع مسلمین است که خون مسفوح (جاری) رجس و نجس است.

و امام ابن عربی در «احکام القرآن» (۱/۷۹) نوشته: «علما اتفاق کرده اند که خون حرام و نجس است و خورده نمی شود و انتفاع از آن صورت نمی گیرد.»

و امام نووی در «المجموع» (۲/۵۷۶) می نویسد: «دلائل وارده بر نجاست خون ظاهر و واضح هستند، و نمی دانم که در این مورد احدی از مسلمین خلافی گفته باشند بجز آنچه که صاحب کتاب الحاوی از بعضی از متکلمین حکایت کرده: خون طاهر است، اما گفته و نظر متکلمین در اجماع محسوب نیست.»

دسته دوم :

خون انسان و خون حیوانات حلال نجس نیست :

تعداد از علما منکر وجود اجماع شده اند و با استناد به برخی از نصوص حکم به پاک بودن خون انسان صادر نموده اند. این تعداد از علماء حکم صادر نموده اند : نماز کسی که لباسش به خون انسان آلوده شده باشد ، لباس اش نجس نه و نماز اش صحیح است. این علما معتقد اند که :

- ۱- اصل در اشیاء پاکي یعنی طهار بودن آنها تا زمانیکه حکم نجاست بر آن صادر نشده باشد طوری که از روایات اسلامی معلوم میگردد که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن بدون (خون حیض) امر نموده اند ولی اگر خونی از اثر جراحت و حجامت و سایر موارد از بدن انسان جاری میشود اگر در جمله خون نجس شامل میگردید پیامبر صلی الله علیه وسلم حتماً عامل نجسات آنرا بیان میداشت .
- در حدیث متبرکه آمده است : از اسماء (رضی الله عنها) روایت است که گفت : زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و گفت : اگر کسی از ما بالای لباسش حیض شود، چه باید بکند ؟ فرمودند : (آن را بخرشد ، بعد از آن آنرا در آب بهم مالد، و آب را بر آن بپاشد (یعنی آنرا آب کشد) و دران نماز بخواند.
- ۲- نباید فراموش کرد که در تاریخ اسلام تعداد زیادی از حوادثی به وقوع پیوسته است که صحابه کرام مجروح گردیده اند دیدیه نشده که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن آن کرده باشد و یا فرموده باشد که این خون نجس است .
- و همچنان ادامه نماز توسط امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) مبین این امر است که : در صورتیکه خون نجس میبود ، حضرت عمر در لباس نجس به نماز خویش ادامه نمیداد بلکه در همان اولین لحظه به نماز خویش خاتمه میداد .

ابن تیمیه گفته است:

« شایسته است لباسی را که با چرک و تراوش زخم آلوده شده باشد ، بشویند ولی دلیلی بر نجاست و پلیدی آن اقامه نشد است ». بهتر آنست که بقدر امکان ، انسان از آن پر هیز کند .

علامه شیخ ابن عثیمین می گوید:

«از ظاهر نصوص چنین برداشت می شود که تطهیر خون خارج از بدن واجب است، این سخن را بدان خاطر گفتیم که در روایات داریم که زخم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شسته شد. ولی این سخن ها ممکن است با مطلب ذیل در تعارض باشد: اگر اجزای جدا شده از بدن انسان پاک است، پس خونی که از بدنش بیرون می آید باید به طریق اولی پاک باشد. لیکن به دلیل ظاهر نصوص و پرهیز از شبهات، احتیاط در شستن خون است.»
(مجموعه فتاوا و رسایل (266/11)

خواننده محترم !

حالا به اصل موضوع خویش بر میگردیم که آیا اساساً نوشتن قرآن که توسط خون «مسفوح» صدام حسین صورت گرفته در شرع اسلام جواز دارد یا خیر ؟
و آیا برای یک مسلمانان جواز دارد که قرآن نوشته شده به خون (مسفوح) را تلاوت نماید یا خیر ؟

و همچنان حالا که این قرآن به خون صدام حسین (یعنی دَمٌ مَسْفُوحٌ) خطاطی شده است، آیا تلاوت آن از نگاه شرع اسلامی جواز دارد و یا خیر ؟
قبل از همه باید گفت که خواندن قرآن به دم مسفوح در شرع کدام ممانعت نداشته ، ولی اکثریت علماء بدین نظر اند که خواندن قرآن تلاوت شده با خون از جمله تقوا نبوده بهتر خواهد بود که اصلاً این قرآن قرائت هم نگردد . ولی در مورد خطاطی قرآن غرض تقرب الی الله و یا به اصطلاح نظرانه توجه خوانندگان محترم را به فتوای علمای برجسته جهان اسلام در این مورد جلب نموده ، امیدوار هستم که در مورد مفید و موثر باشد :

فتوای اول :

سوال : هنالك شخص نوى أن يتقرب إلى الله فسحب من دمه على فترات وكتب بدمه القرآن الكريم. فما حكم هذا الرجل؟
الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد:
فقد بَوَّب البخاري في صحيحه: باب العلم قبل القول والعمل، وذكر قوله تعالى: فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك. (محمد: ١٩).
فالواجب على كل مسلم قبل أن يتقرب بقرية، أو يفعل ما يظنه طاعة، أن يتثبت من أنها مما يقرب إلى الله عز وجل، فإن التقرب إلى الله لا يكون على وفق أهواء الناس ورغباتهم، وإنما مرد معرفة ذلك إلى ما بينه النبي صلى الله عليه وسلم لأمته، فإنه ما ترك شيئاً يقرب إلى الله إلا دل عليه، ولا ترك شيئاً يقرب من النار إلا حذر منه، وما فعله هذا الرجل هو من أقبح الجهل وأبينه، فإن كتابة القرآن بالدم منكر عظيم، وذلك لأن الدم نجس عند أكثر أهل العلم، كما بينا في الفتوى رقم: ٣٩٧٨ .
وكتابة القرآن بالنجاسات من أعظم الامتهان له، وإذا كان لا يجوز أن يمسه محدث ونجاسته حكمية لا حسية، فكيف تكتب حروفه وكلماته بالنجاسة الحسية عياداً بالله من الخذلان.

ولولا الجهل لحكم على هذا الرجل بحكم من يمتن القرآن وهو معلوم لدى أهل العلم، وهكذا يفعل الجهل بأصحابه فإنه يفعل بهم الأعاجيب، فيصدق على الواحد منهم قول الله عز وجل: **قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسَبُونَ أَنَّهم يُحْسِبُونَ صُنْعًا**. (سوره الكهف: 103، 104).

ولذا فنحن نهيب بعموم المسلمين أن يجتهدوا في تعلم أحكام الشرع وأن يطلبوا العلم من مظانه لنلا يقعوا في أمثال هذه المخالفات الشنيعة.

ترجمه حکم فتوای سوال اول :

شخصی به نیت تقرب (نزدیکی جستن) به الله (ج) از خون خود، قرآن کریم را نوشته کرده.

حکم این از نظر اسلام چیست؟

همه ستایش تنها برای خداوند (ج)، درود و سلامتی بر فرستاده الله و بر آل و صحابه گانش، اما بعد.

امام بخاری در صحیح خود بخاری شریف، باب مستقل تحریر نموده بنام (باب العلم قبل القول والعمل) یاد میشود.

علم پیش از سخن و عمل است (علم و آگاهی به سخن و عمل حق تقدم دارد) (آیه 19 سوره محمد) گواه بر این حقیقت است. پس بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفار کن خداوند (ج) حرکت و قرار گاه شما را میداند.

پس واجب برای هر مسلمان این است، قبل از اینکه تقریبی را بخواهند، و یا عملی را انجام دهند که برگمان شان آن طاعه است، قبلاً ثابت بسازند که آن عمل از جمله اعمالی است که بخداوند (ج) انسان را نزدیک می سازد، زیرا تقرب جستن به الله (ج) حسب خواهشات و رغبت مردم نمی شود بلکه مرجع شناخت آن محمد (ص) می باشد که برای امت خود معرفی نموده زیرا او هر عملی که انسان را به الله (ج) نزدیک بسازد بر آن دلالت کرده است و هر عملی را که انسان را از دوزخ دور می سازد، از آن ترسانده است، مرد که این عمل را انجام داده از قبیح ترین جهل و نا فهمی بحساب می رود، آگاه می سازم بر اینکه، کتابت قرآن کریم به خون، منکر عظیم (عمل بد و شنیع است) زیرا خون نزد اکثر اهل علم نجس و حرام است، چنانچه در فتوای نمبر (3978) بیان نمودم که کتابت قرآن کریم به اشیای نجاست و حرام از بزرگترین اشتباه است، و قتیکه قرآن کریم را شخص بی طهارت مساس کرده نمی تواند، با وجود بی وضوء بودن نجاست حکمی است و نه حسی، خون نجاست حسی و حقیقی است، چگونه نوشته کلمات و حروف قرآن کریم نعوذ بالله به نجاست حسی درست است؟

اگر موضوع نا فهمی نمی بود من بر آن مرد حکم می کردم که به قرآن کریم اهانت کرده است، چنین موضوع نزد اهل علم معلوم است، طبقه جهال با هم نشینان خویش اعمال تعجب آور را مرتکب می شوند، گفتار قرآن کریم به اعمال این گروه صدق می کند، آیه 103-104 سوره کهف ارشاد می فرماید، ترجمه: **بگو آیا به شما خبر دهم که زیانکارترین (مردم کیابند، آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم و نابود) شده با اینحال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند.**

بدین جهت من به عموم مسلمانان توصیه میکنم، در آموختن احکام شرع کوتاهی نکنند، علم بیاموزند، تا در چنین موضوعات شنیع رو برو نشوند.

سوال وفتوای دوم :

هل يجوز كتابة آيات من القرآن الكريم بدم البشر سواء كانوا أحياء أو ميتين؟ وما هو موقف الذي أمر بالكتابة؟ وما هو موقف الذي ساعد أو أيد؟ وهل هناك فرق في الحالة بين الفاعل إذا كان مسلماً أو غير مسلم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد: فكتابة آيات القرآن الكريم بدم البشر أو غيره من النجاسات أو المستفذرات طبعاً ولو كانت طاهرة لا تجوز شرعاً، وكذلك الأحاديث النبوية، ومن فعل ذلك استهانة بالدين فهو كافر مرتد عن الإسلام، لما في ذلك من الإهانة لكلام الله تعالى ووحيه وكلام نبيه صلى الله عليه وسلم.

وقد نص أهل العلم على أن من ترك شيئاً من القرآن أو الحديث في مكان مستقذر يكفر بذلك، فما بالك بمن تجرأ على فعل ذلك بنفسه. قال العلامة خليل المالكي في المختصر: الردة كفر المسلم بصريح، أو لفظ يقتضيه، أو فعل يتضمنه؛ كالقاء مصحف بقدر، وكذلك أي شيء من نصوص الوحي. وجاء في الموسوعة الفقهية: فالإهانة التي تلحق بالعقيدة والشريعة كالسجود للصنم، أو إلقاء مصحف في قاذورة، أو كتابته بنجس، أو سب الأنبياء والملائكة، أو تحقير شيء مما علم من الدين بالضرورة تعتبر كفراً.

وكل من ساعد في هذا العمل، فإنه يناله من الإثم ما ينال الفاعل إذا كان عالماً متعمداً، قال الله تعالى: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَفْعَدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِتُّمُوهُمْ إِنْ اللَّهُ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (سوره النساء: 140).

فهذا قمة التعاون على الإثم والعدوان الذي نهى الله تعالى عنه بقوله: وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (سوره المائدة: 2).

وأما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب... نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

وأما غير المسلم فهو كافر أصلاً ولا يرجى منه خير، ولا يزيده ذلك إلا كفراً وظلمة على ظلمة وعذاباً على عذاب... نسأل الله تعالى العافية والسلامة.

فعلى قول الجمهور وهو الحق الذي لا ينبغي العدول عنه فإنه لا تجوز كتابة القرآن بالدم، بل إن ذلك من كبائر الذنوب بل قد يكون كفراً والعياذ بالله.

ترجمه سوال وفتوای دوم :

آیا نوشته کردن قرآن کریم به خون انسان زنده باشد ویا مرده درست است؟
موقف کسانی که امر به نوشته کرده چه خواهد بود؟

موقف کسانی که مساعدت و تأیید کردند چه خواهد بود؟ آیا فرق در میان فاعل مسلمان ویا کافر در صورت ارتکاب این عمل وجود دارد؟

ج : همه ستایش تنها به خداوند (ج) درود و سلام بر فرستاده الله (ج) و بر آل و صحابه

گانش. کتابت آیات قرآن کریم به خون بشر یا غیر آن از نجاسات (پلیدی ها) و یا کثافات طبیعی گرچه پاک هم باشد شرعاً درست نیست تحریر احادیث رسول الله (ص) به اشیای نا پاک و همچنان نجس درست نیست، کسیکه این عمل را به قصد اهانت بردین انجام دهد کافر و مرتد میشود، زیرا ارتکاب چنین اعمال اهانت به کلام الله (ج) و حی و اهانت به کلام سرور کائنات محمد (ص) است. البته اهل علم تصریح بر آن دارند، کسیکه چیزی (اوراق) از قرآن کریم و احادیث رسول الله (ص) را در جای کثیف و نا پاک بگذارد کافر میشود، چه گمان داری در حال او کسانی که به نفس خود این را در صحنه عمل پیاده می کند، علامه خلیل مالکی در کتاب مختصر خود چنین بیان نموده: مرتد شدن (از دین برگشتن) مسلمان کفر صریح است، یا لفظ که افاده کفر را کند، و یا عمل و فعل که معنی کفر را برساند، همانند انداختن مصحف شریف در کثافات و جای نا پاک و هم چنان چیزی از نصوص وحی را در محل کثیف انداختن همگی اینها عمل کفری است.

در (الموسوعه الفقہیة) آمده هر اهانت که مربوط به عقاید شرعی می شود، همانند سجده به بت، یا انداختن قرآن کریم (مصحف) در جای کثافات دانی، یا کتابت مصحف (قرآن کریم) به نجاست، یا دشنام دادن انبیاء و فرشته گان و یا تحقیر چیز که از ضروریات دین به حساب می آید کفر است.

هر کسی که بر این عمل نا مشروع کمک کرده و یا تأیید نموده در گناه شریک می باشد، همانند کسیکه فاعل مستقیم گناه است.

چنانچه قرآن کریم در آیه 140 سوره نساء ارشاد می فرماید: ترجمه: البته در (قرآن) بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد با آنان منشینید، تا به سخن غیر از آن در آید، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند (ج) منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.

این جزاء در حقیقت تاوان همان همکاری بر گناه دشمنی های است که الله (ج) از آن منع کرده. چنانچه در آیه 2 سوره مائده خداوند (ج) می فرماید. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی نشان و قربانی های گردن بند دار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خوشنودی پروردگار خود را می طلبند.

اما غیر مسلمانان کافر و منکر دین اسلام اند، از ایشان هیچ نوع توقع نیکی برده نمی شود، احیاناً مرتکب چنین عملی شوند، جز اینکه به کفر، ظلم و معصیت و عذاب شان بیافزاید نتیجه دیگری نخواهد داشت، من برای خود و جمیع مسلمانان از الله توانا عافیت می خواهم.

بنا بر قول جمهور علماء و این حق است که مناسب نیست از آن عدول شود، البته کتابت قرآن کریم به خون نادرست است، بلکه این از گناه کبیره بحساب میرود، گاهی به کفر منجر میشود، پناه میبرم به پروردگار عالم از شر این گناه.

اما غیر مسلمانان منکر دین هستند از ایشان اصلاً توقع نیکی برده نمی شود، در صورت مرتکب این عمل، به کفر، ظلم و بر عذاب خویش می افزایند.

من برای خود و جمیع مسلمانان از الله توانا عافیت و سلامت می خواهم .

سوال و فتوای سوم :

ما حکم کتابة القرآن بالدم ؟

الاجابة : القرآن کلام الله سبحانه وتعالى، وکما یطلق القرآن علی کل ما بین دفتی المصحف

يطلق على السورة والآية منه .
والقرآن كتاب تعبد وهداية وإرشاد للبشر كما فيه سعادتهم في الدارين (الدنيا والآخرة) من عبادات ومعاملات وأخلاق .
ولذلك يجب تقديسه وتكريمه والبعد عن كل ما يخل بشيء من ذلك .
ولذلك لا يجوز كتابته إلا بما هو طاهر زكي .
ولذلك أيضاً يجوز للفقيه للمحدث حدثاً أصغر (غير المتوضئ) ولا المحدث حدثاً أكبر (الجنب) والحائض والنفساء مس القرآن ولا شيء من آياته إلا بغلاف منفصل لقول الرسول صلوات الله وسلامه عليه (لا يمسه القرآن إلا طاهر) وأجازوا ذلك للضرورة كدفع اللوح أو المصحف إلى الصبيان لأن في المنع من ذلك تضييع حفظ القرآن، وفي الأمر بالتطهير حرج عليهم .
كما نصوا على كراهة كتابة القرآن وأسماء الله تعالى على الدراهم والمحاريب والجدران وكل ما يفرش (الهداية وفتح القدير ج 1) وليس هناك ضرورة تدعو إلى ذلك، فيكون الأحوط في المحافظة على القرآن وآياته والبعد به عن كل ما يخل بتقديسه وتكريمه أو الوقوع في الممنوع .

ترجمه سوال وفتوای سوم :

حکم کتابت قرآن کریم به خون چیست؟

جواب : قرآن کلام پروردگار عالم است، اطلاقش با تمام سوره هاي آن به شکل دسته جمعي ويا بطور انفرادي به هر فرد سوره و آیات آن اطلاق ميگردد.
قرآن کتاب هدایت وارشاد، سعادت براي کافه بشریت در دنیا و در آخرت مي باشد که حاوي جميع عبادات، معاملات و اخلاقيات است.
بدین جهت براي همه کافه بشریت تعظیم و تقدیس و گرامي داشت آن واجب است، و دور داشتن هر چیزی که به تقدسات و گرامي داشت آن اخلاص مي کند نیز واجب مي باشد، بر همین جهت کتابت آن جایز نیست و نیز قرآن کریم براي کسانی که وضوء ندارند اجازه مساس نمي دهد. برابر است حدث صغیر داشته باشد ویا کبیر، همانند جنب، حائض (عادت ماهوار) نفساء. (خون که از عقب ولادت مي آید) ایشان قرآن مکمل ویا سوره و آیات آنرا مساس کرده نمي توانند (دست رسانده نمي توانند) مگر اینکه قرآن کریم در داخل پوش که جدا بوده باشد درست است، چنانچه رسول الله (ص) فرمودند (قرآن را مساس کرده نمیتواند مگر شخص پاک) .
مگر در صورت ضرورت، مثلاً قرآن کریم در تخته نوشته باشد، از جاي بر جاي دیگر انتقال داده شود، ویا براي تعلیم اطفال، زیرا کودکان تکلیف شرعي ندارند، ویا بر حسب دوام طهارت کردن براي کودکان یکنوع حرج است. و هم در صورت منع ایشان از تلاوت قرآن کریم به حالت بي طهارتي ضایع شدن وقت و حفظ قرآن ميگردد.
و نیز فقه ها صراحت بخشیدند که کتابت قرآن بر منزل و خانه ها ، محراب، دیوارها، مکروه است، در کتاب فتح القدير جلد 1 گفته شده درست نیست، زیرا در این ها ضرورت وجود ندارد. بدین جهت در محافظت قرآن کریم جدیت شود و آیات آن از آنچه بر احترام اش اخلاص مي کند دور نگهداشته شود.

ماخذها فتوای که بشکل سوال سه گانه در فوق تحریر یافته است

۱- فتوی ارکان الاسلام لشیخ ابن عثيمين رحمه الله صفحه ۱۳۰ جلد ۱

۲- فتوى اللجنة لبحوث العلمية و الافتاء ج ۲۲ ص ۱۵۰

تبصره :

استاد غلام رباني اديب :

بر مقاله حکم مصحف (قرآن) که به خون صدام حسين تحرير گرديده چيست؟
جاي شك نيست، خون مسفوح حرام است، نه خوردن آن جواز دارد و نه تحرير قرآن
کريم به آن.

دلایل قرآني:

آيه 13-17 سوره عبس: فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ﴿13﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿14﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿15﴾
كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿16﴾ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿17﴾ ترجمه :

قرآن در الواح (تخته) پرارزشي ثبت است، الواحي و الاقدر و پاکیزه، به دست سيفراني
است، والا مقام فرمان بردار و نیکو کار، مرگ بر این انسان چقدر کافر و نا سپاس است.
آیات فوق افاده میکند قرآن کريم قبل از نزول در صحف (اوراق) پاک تحرير یافته است،
بعداز نزول به محمد (ص) نیز در اوراق پاک تحرير مي گردد قسمیکه تعامل کلي در میان
جهان اسلام است، در پاک ترین اوراق چاپ و نوشته میشود، وهم از پاک ترین رنگ
استفاده صورت گرفته و میگیرد، زیرا قرآن و الا مقام و پاک است، باید از رنگ پاک
در کاغذ پاک از دست اشخاص پاک و با طهارت، تحرير گرديده بدست افراد پاک و با
طهارت قرار گیرد، و بحیث کتاب هدايت دستور العمل همه جهان بشریت بوده، زیرا این
کتابي است همه نیاز مندي هاي بشریت را بطور آسان حل کرده، اگر انسان روي
سرکشي و عناد رجوع بر این کتاب نمیکند زیانش عاید حال خود میگردد.

تعظیم قرآن:

محبت، احترام، تعظیم، قرآن کريم با همه واجب است، هیچ کس حق ندارد، قرآن را از
رنگ و خون حرام در کاغذ ناپاک تحرير نماید، و یا این کتاب عظیم را زیر دیگر کتاب ها
بماند، یعنی فرق بین کلام الله (ج) و کتاب بشر نکند، این عمل بخاطر سبک شمردن کتاب
خداوند (ج) بوده باشد کافر میشود، هدف اساسي از تعظیم قرآن ترجیح دادن آن بالاي همه
کتب و دستور العمل بودن آن، و مرجع هدايت دانستن آن است، آیا مصحف که به خون
صدام حسين تحرير گرديده، قابل حفظ است، گرچه تحرير قرآن کريم به خون نادرست
است ، اما قرآن که به خون صدام حسين نوشته شده، باید حفظ و احترام گردد، زیرا این
حفظ و احترام بخاطر خون نيست بلکه بخاطر است که آیات ، جملات، کلمات و لفظ که بر
خون تحرير گرديده ، دلالت کننده بر معاني است که آن مطلوب و مقصود است، قسمیکه
قرآن تحرير یافته از رنگ پاک دلالت بر معاني و مطلوب مي نماید، در افاده و استفاده
مقاصد وجه مشترك دارند، بدین جهت این مصحف که بخون صدام تحرير گرديده بخاطر
خون بودن بي احترامی نشود.

خون در ذات خود مفید است :

خون در ذات خود مایه حیات زنده جان ها است، و یک ماده حیات بخش مفید در بدن مي
باشد بدون آن استمرار زندگی در عالم اسباب ناممکن است، اگر گروهی خون کسی با
مريضی که نیاز به خون دارد موافقه کند، حسب هدايت داکتر از خون بخاطر بقاي حیات
یک انسان استفاده صورت میگیرد، باکی ندارد بلکه خون دهنده ایثار و فداکاری کرده،
ثواب عظیم را نایل شده است، اما پروردگار عالم خون را در ردیف گوشت خود مرده و

خوك حرام قرار داده، تا مردم به صفت غذا نخورند، تا مكروب هاي خون در بدن شان سرايت کرده به مرض مبتلا نسازد، حرمت خون و منع شرع از خوردن آن به معني غير مفيد بودن خون نيست، بسا چيز حرام است اما مايه حيات ابتدائي يك زنده جان را تشكيل ميدهد، همانند تغذيه جنين در بطن مادر از خون، با وجود اينكه خون نا پاك است باز هم تغذيه كودك از آن صورت ميگيرد، آب مني در ذات خود ناپاك مي باشد، حتي در لباس برسد، توسط آب پاك کرده ميشود، با آنهم ماهيت خلقت انسان را تشكيل ميدهد، كود حيواني جهت رشدكشت در زمين انداخته ميشود، از محصول آن انسان استفاده مي نمايد، خر(حمار) در نمك به افتد ماهيت آن به نمك تبديل ميگردد، اشياي نا پاك در زمين دفن گردد با گزشت زمان جز زمين مي شود مشرك نجس است، وقتي ايمان آورد، گنااهش مورد عفو قرار ميگيرد، پاك ميشود.

قرآن آن چنان كلام عظيم است، رنگ و صفت هيچ چيز را بخود نمي گيرد، اما ديگر چيز تحت تاثير قرآن قرار گرفته از او رنگ مي گيرد، بناءً به صراحت گفته مي توانيم مصحفه كه توسط خون حرام تحرير گرديده است، حيثيت رنگ را با خود گرفته از دو طريق به خون آمده از نگاه كمي و كيفي، تغير كمي به اثر خشك شدن حالات ابتدائي كه داراي رطوبت، بوي و طعم است از ميان رفته.

تغير كيفي :

خون تبديل به حروف، كلمات، جملات و بالأخره به آيات قرآن شده، قبلاً گفته شد، در نظام طبيعت اشياي ضعيف به اثر خلط شدن در قوي جز آن ميشود، همانند افتيدن حيوانات حرام در كان نمك دفن شدن اشياي نا پاك در زمين به اثر تغير ماهيت جزء كان و زمين ميگردد.

قرآن كلام پروردگار عالم چنان قوي است تحت تاثير چيزي نمي رود و تابع چيزي ديگر نميشود.

بناءً مصحف تحرير يافته به خون صدام حسين قابل حفظ و احترام است.

اين يك امر استثنائي است :

خوانندگان عزيز توجه فرمائيد، در تاريخ اسلام چنين امر بي سابقه است، اگر صدام حسين چنين عملي را انجام داده اشتباه کرده، هيچ كس چنين حقي را ندارد، با تقليد از صدام و يا به اختيار خود به خون، كلام خدا را تحرير نمايد، نبايد اين عمل تكرر گردد. (استاد غلام رباني اديب)

تتبع و نگارش :

امين الدين « سعیدی- سعيد افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگي د حق لاره- جرمني

ادرس : saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**